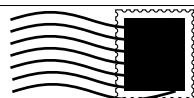


(تا دهر شما چه باشد...)



نامه ها و شعرهای رسیده به دفتر نشریه «ماهنامه پژواک»

نیستان قدم

مولوی شوریده حال بیقرار
شرح هجران گوید و احوال یار
گر نبود ناله نی را ثمر
نی جهان را پر نکردی از شکر
مولوی فرزانه در زمان
عارفی عالم به عرفان و بیان
محرم یار، عاشقی پروانه وار
شمع بزم عاشقان هر دیار
علم او در تابشی از حق بود
ذره های هستی مطلق بود
چون ز نور حق بود جانش منیر
دانش و آگاهی را کم مگیر
دانشی از علم هستی پیش تر
کان سد خیرش بعالم بیش تر
گر بکارش گیرد آن در راه بد
آید آن نفرین و آتش تا ابد
صالحی روزی بمن رندانه گفت:
ناله نی را، ز دل بتوان شفت
ناله را از نای نی گر بشنوی
بشنو از نی روزگار مثنوی
نی ز آغازش حکایت میکند
کز جدائی ها شکایت میکند
نی که بود، آنکو که گوید دم به دم
من کیم، نی از «نیستان قدم»
چون وجودم همچو نی گشته تهی

بی خانمان

چون شب میان رگ سیاه شهر پیچید
تندر به سان شیرکی با خشم غریب
در کوچه ای مردی خرامان راه میرفت
دردی به دل با ناله و با آه میرفت
خسته گرسنه بی هدف بی هیچ امید
بنشست و در سرمای شب چون بید لرزید
بنشید در ظلمت صدای دختری شاد
قه قه زنان از یک دل بی غم خبر داد
مرد جوانی دست خود در دست او داشت
دختر سرش بر شانه آن مرد بگذاشت
بی خانمان دید آن دو را در دل دعا کرد
از بهر نانی ساکت آنها را صدا کرد
چشمش پر از خواهش لبش ساکت ولی ماند
از چشم خود با هر تلاشی اشک را راند
آخ که آن لیلی و مجنون غرق در هم
با عشق خود مشغول و بیگانه ز عالم
آن بینوا را در دل شب پس ندیدند
خندان برقند و به تاریکی خزیدند
بیش از دمی چون نور امیدش نیاید
گریان سرش را بر زمین سرد سایید

غیر حق در من نباشد آگهی
بر نیارم از لبم، جز آن شفت
بانگ آن آرم که با من حق بگفت
نای از نی نیست از نای خداست
نای و نی روشنگر راه هداست
دم ز نای وی دمی در نی دمید
وحی، از آن ناگهان آمد پدید
♦ ♦ ♦
مولوی آن عارف شیدا و مست
مست مست ساقی و جام الست
باده عشق از کجا آرم به دست
تا شوم فارغ از این دنیای پست
عشق پیوستن بود، جویای وصل
شوق رستن میبزم بر سوی اصل
عشق ما یک عشق، آن عشق خداست
عارف و سالک در این ره چون گداست
دیده دل باز کن بر جان جان
آنچه بد نا دید نی بینی عیان
مقصد و مقصود عاشق کیست دوست
چون کریم است و کرامت جود اوست
قطره شد ملحق بدریا زین فنون
مفی انا الیه راجعون
خودشناس و حق شناس و حق بین
حق بگو و حق شنو و حق گزین
جان چو در پیوند آن جانان شود
معرفت بر ذات حق، عرفان شود

سعید عرفان

یاد آمدش روزی که مادر در برش بود
هنگام تب همواره بالای سرش بود
فارغ ز غصه بی خبر از ظلم دنیا
بی دغدغه مشغول بازی و تماشا
بغضش رها گشت و بسی بگریست با درد
اشکی فشانند و بار سنگین را سبک کرد
چون خستگی شد چیره بر جسم نحیفش
خوایش ببرد و مرهم جان ضعیفش
سرما کرختش کرد و او کمتر بلرزید
در خواب شیرینی بگشت و مادرش دید
چون دید مادر از فشار غم رها شد
سویش دوید و باز هم چون بچه ها شد
مادر بخواندش سوی خود گفتش پسر جان
آمد زمانی تا رسد رنجت به پایان
شمع وجودش پس به خاموشی گرایید
از درد و رنج دنیوی آزاد گردید
تندر بزد باران بیامد بر تن مرد
گویی خدا هم در گلو بغضش رها کرد

شاهین سعادت

ملکه و من

سعید شفا

فرح به اتفاق فیلمساز به آرایشگاه برود ولی بعد آن را کنسل می کند، وزنی که کارش فیلمساز است و در برابر سوژه فیلمش قادر نیست کنترلی داشته باشد،



فرح پهلوی

فیلمی را به وجود می آورد که برای هر تماشاگری دیدنی و بحث انگیز است.
تصویری که فیلم از «فرح پهلوی» نشان می دهد، جدا از عنوانی که به او داده شده، و جدا از تاریخی که پشت سر گذاشته، تصویر زنی است ساده، معمولی، آگاه و خوش سخن. در واقع همین صفات است که باعث می شود با پذیرفتن برای شرکت در این فیلم، یکی از مهمترین بخش های شناخت از رژیم پهلوی در تاریخ معاصر ایران، در یک حد محدود، از طریق این فیلم به ثبت برسد. فرح به سادگی و صداقت می پذیرد که در رژیم سابق مشکلاتی بود، اما به همین حد بسنده می کند. چنانچه آن فضای درباری و روابط خانوادگی شاه و اصولاً برج عاج نشینی و غریبگی با مردم کوچه و بازار نبود، زنی که از توده مردم برخاسته بود، می توانست دریچه یی باشد به دنیای بسته دربار و رژیم. فرح، در خانه اش را (تا حد اتاق پذیرایی) و دنیای روح اش را تا حد بیشتر به روی فیلمساز می گشاید. او به سفر می رود، او را به مهمانی ها و سرمزار همسر و دخترش می برد، در خیابان به سان دو پیاده و رهگذر معمولی قدم می زند و همه ی اینها، آنچه را که فیلمساز سالها عمیقاً در روح و روانش جمع کرده، به خاطر وقایعی که برزنی دیگر - نظیر او - حادث شده (در به دری از این کشور به آن کشور، مرگ فرزند و شوهر، گذران عمر در تبعید...) در انتها، به سان یخی ذوب شده می یابد و او را با زنی رو در رو می سازد که انتظارش را ندارد. در می یابد که دید او از سوژه اش تا حد بسیاری تغییر کرده، و گرچه پرسش های او همچنان بلا جواب می ماند، اما تاحدی به آرامشی که در جستجویش بوده دست می یابد.
قبول فرح پهلوی برای شرکت در این فیلم، او را از دایره طرفداران سلطنت فراتر می برد و گرچه در چند جا در فیلم، آن گروه همیشگی طرفداران رژیم را می بینیم که بعد از گذشت سی سال و وقوع وقایع بسیار، همچنان زبان شناخته شده و تملق وار خود را حفظ کرده اند که گویی تمام این اتفاقات و سی سالگی که از انقراض رژیم می گذرد، صرفاً یک رویا بوده است.
تماشای این فیلم، برای هر ایرانی با هر ایده و تفکری دیدنی است، چرا که حلقه مفقوده ای است که با سی سال تأخیر به مقصد می رسد.

فیلم «ملکه و من» (QUEEN & I) قرار است بعد از فستیوال «ساندنس»، در جشنواره بین المللی فیلم «تیران» در شمال کالیفرنیا، در ماه مارچ به نمایش در آید. برای اطلاع بیشتر به تارنمای این جشنواره رجوع نمایید:
www.TiburonFilmFestival.com

«ناهید پرسن سروسنایی» بعد از ساختن فیلم های «فحشاء زیر چادر» و «چهارزن و یک مرد» که هر دو درباره موقعیت اجتماعی زنان در ایران است، جای خود



ناهید پرسن سروسنایی

را در سینمای مستند ثبت کرده است. «ناهید» در سوئد زندگی می کند ولی فیلم هایش را به طور مخفی در ایران ساخته که هر کدام جای بحث بسیار دارد.
برادر او در اوآن انقلاب به دار آویخته شد و چون خود او ایده آل های کمونیستی داشت، بعد از این واقعه، مخفیانه ایران را ترک می کند و بعد از رفتن به دوبی، با یک پاسپورت جعلی به سوئد می رود و از آن زمان به یکی از مطرح ترین فیلمسازان ایرانی در خارج در می آید.
فیلم آخر او که نامش «ملکه و من» است، در واقع یک خانه تکانی روحی است. او در ایران با مخالفت با رژیم شاه، در تظاهرات و فعالیت های ضد شاهی فعال بود، اما آن آزادی را که پس از شاه می طلبید در رژیم جدید نیافت و برای همین خواست تا بداند چنانچه اگر با ملکه رژیم سابق روبرو شود، چه گفتاری میان آنها رد و بدل خواهد شد و آیا او خواهد توانست بار فکری و پرسش های دیرینه اش را با زنی که ملکه ایران بود و اینک نظیر او در تبعید به سر می برد مطرح کند، و پاسخ هایی برای مرهم روحش بیابد؟
با این انگیزه بعد از دو سال تماس دوطرفه، این فرصت دست می دهد و «فرح پهلوی» می پذیرد تا این فیلم ساخته شود. در ابتدا «ناهید» که خود را در برابر دشمن دیرینه اش می یابد، به خاطر ادامه فیلم، از طرح پرسش های حساس خودداری می کند و می گذارد تا زمان و مکان، سرنوشت فیلمش را رقم بزند.
حاصل این رد و بدل کردن افکار دو زن تبعیدی، که یکی در آستانه ۷۰ سالگی در پاریس زندگی می کند و می کوشد تصویری را که طرفداران پادشاهی و رژیم پهلوی از او دارند حفظ کند (در صحنه یی قرار است

تقویم برنامه های فرهنگی و هنری در شمال کالیفرنیا

آبادانا
۱۵۰۰-۷۴۱-۴۰۸
یکشنبه ۱۲ ظهر تا ۱ بعداز ظهر کانال ۲۶

تهران
۰۷۰۷-۲۰۲-۴۰۸
یکشنبه: از ساعت ۵:۳۰ تا ۶ شب روی کانال ۱۵ سانتا کلارا کانتی سه شنبه: از ساعت ۱۰ تا ۱۱ شب روی کانال ۲۷ در شهر پالواتو چهارشنبه: از ساعت ۲ بعداز ظهر روی کانال ۲۷ در شهر پالواتو شنبه: از ساعت ۸ شب، یکشنبه از ساعت ۴ تا ۴ روی کانال ۲۷ در شهر پالواتو جمعه: از ساعت ۹ تا ۱۰ شب روی کانال ۲۴ در شهر آکلی و پرانت وود جمعه: از ساعت ۹ تا ۱۰ شب روی کانال ۲۶ در شهر آنتیاک و بینسبورگ

نیما
۵۱۰-۴۹۰-۶۴۶۲
برای لیست کامل کانال تلویزیونی تلویزیون نیما لطفاً به صفحه ۳۴ رجوع کنید.

برنامه تلویزیونی کلیسای ایرانیان
سن حوزه: یکشنبه ها ۹ شب، کانال ۱۵
سارانتوکا: پنجشنبه ها ۹:۳۰ شب، کانال ۱۵
ساگرامنتو: یکشنبه ها ساعت ۹:۳۰ تا ۱۰ شب، کانال ۱۸ لوکال اکسپرس
فریماننت، والنات کریک: کانال ۶ لوکال هر پنجشنبه،
هفته دوم و چهارم هرماه ۸:۳۰ تا ۹ شب

کلاسهای خوشنویسی
استاد امیر حسین تانباک
خانه هنر هنر ایران
مدرسه کلاسهای خوشنویسی و هنر
تلفن: ۵۱۱۱-۲۰۵-۴۰۸
۹۳۹۸-۲۳۴-۴۰۸

آموزش شعر و ادب فارسی زیر نظر حضرت الله نوح
در کلاس تدریس حافظ و حافظ خوانی، غزلیات حافظ از نقطه نظر اسطوره شناسی، تاریخ، آیات و احادیث مورد تحلیل و بررسی قرار میگیرد. کلاس هر هفته روزهای سه شنبه از ساعت ۷ تا ۹ شب برگزار میشود. برای ثبت نام با شماره تلفن ۶۶۸۵-۹۶۸۵ (۶۵۰) تماس بگیرید. آدرس جدید: Ortega Park 636 Harrow Way, Sunnyvale, CA 94087

کلاسهای عرفان (مولوی، حافظ)
تدریس مثنوی مولانا بلخی، معانی و بیان، بدیع و قافیه دومین و چهارمین یکشنبه هرماه ساعت ۳ تا ۶ بعداز ظهر در کوپرتینو توسط دکتر مسیح پور، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران. تلفن: ۲۹۲۲-۷۲۵-۴۰۸

جمعیت ایرانی حقوق بشر در شمال کالیفرنیا
در دومین پنجشنبه هر ماه، جلسات بحث و گفتگو پیرامون مبان، راهبردها و راهکارهای حقوق بشر در ایران را برگزار می کند. ورود برای همگان آزاد است. آدرس: ۵۲۹ خیابان ششم شمالی در سن حوزه ۹۵۱۱۲ تلفن: ۹۸۳۶-۲۷۵-۴۰۸

شب شعر در ساکرامنتو
دومین چهارشنبه هر ماه در رستوران فیمس کباب برای اطلاعات بیشتر لطفاً با تلفن زیر تماس بگیرید.
تلفن: ۱۷۰۰-۴۸۳-۹۱۶
1290 Fulton Ave., #3
Sacramento, CA 95825

جلسات شعر فریماننت
اولین و سومین یکشنبه های هر ماه میلادی در کتابخانه تورنتون شهر نیوارک. ۷۹۵-۲۶۲۷ (۵۱۰)
زمان: ساعت ۲ تا ۵ بعداز ظهر ورود برای عموم آزاد است

جلسات انجمن فردوسی
هر دوهفته یکبار در دومین و چهارمین جمعه هرماه
www.ferdosi.org 295-1240 (408)

شب بانوان
بیابید با هم باشیم، دومین چهارشنبه هرماه
با صرف شام و موزیک
Ladies Night & Ladies only!

Valentine's Night with Music
Dinner, Music, Dancing & Fun!
at Avalon Night Club, Start time: 7pm
777 Lawrence Express way, Santa Clara
Information: (408) 241-0777

انجمن ادبی شمال کالیفرنیا
هر دو هفته یکبار روزهای یکشنبه از ساعت ۱:۳۰ تا ۴:۳۰ پس از نیمروز برگزار می شود. ورود برای عاشقان شعر و ادب پارسی رایگان است.
برای آگاهی بیشتر با شماره ۹۲۵-۹۹۸-۰۹۳۹
با ای میل mayheravi@yahoo.com تماس بگیرید

برنامه کانون پدران و مادران شمال کالیفرنیا
گردهمایی کانون پدران و مادران در روز چهارشنبه ۱۸ فوریه ۲۰۰۹، ساعت ۵:۳۰ عصر با سخنرانی خانم «کاملیا محمودی»، وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا و فدرال برگزار خواهد شد. موضوع سخنرانی در مورد وصیت نامه و برنامه ریزی اداره اموال، بعد از فوت و یا در صورت ناتوانی ذهنی خواهد بود. پس از آن، موزیک ایرانی برگزار خواهد شد. بعلت محدود بودن جا، خواهشمندیم رأس ساعت در سالن حاضر باشید. محل برنامه در سالن Building Q8 در «کمپیل کامیونیتی سنتر».
ورود رایگان
Campbell Community Center
One West Campbell Ave.
Campbell, CA 95008

Live in concert
Nima Entertainment Presents
کامکارها
The Kamkars
Kurdish & Persian Music
San Francisco
Saturday February 28th 2009
Palace of Fine Arts
3301 Lyon Street, San Francisco
Los Angeles
Sunday March 1st 2009
Santa Monica Civic Auditorium
1855 Main Street, Santa Monica
510-888-2376 818-50-50-100